

نام و نام خانوادگی:	باسمه تعالی	آزمون مستمر فارسی ۳ پایه دوازدهم
نام کلاس:	اداره کل آموزش و پرورش استان قم	رشته: ریاضی فیزیک-علوم تجربی-علوم انسانی
شماره صندلی:	اداره آموزش و پرورش ناحیه ۴	تعداد سؤال: ۲۸
مدت آزمون: ۷۰ دقیقه	دبیرستان	عداد صفحات: ۳
تاریخ آزمون: ۱۳۹۸/۰۲/۰۲	سال تحصیلی ۹۷-۹۸	پاسخ سؤالات وارد پاسخنامه شود

قلمرو زبانی

۱/۲۵	در عبارات زیر، معنی لغات مشخص شده را بنویسید. الف) بار دیگرش به تضرع و زاری بخواند. ب) وظیفه روزی به خطای مَنکر نبرد. پ) دستتان را بر چشم‌های درشتتان که در نور آفتاب جمع شده بود، حمایل کرده بودید. ت) اولاً تجرید شو از هر چه هست / وانگهی از خود بشو یکبار دست ث) همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس / که دراز است ره مقصد و من نوسفرم	۱
۰/۲۵	با توجه به معنای واژگان، کدام واژه برای جای خالی مناسب است؟ آرد از دشت صد کاروان الف) موبد ب) هیون ج) هامون د) گزند	۲
۱	در عبارات زیر چهار غلط املائی وجود دارد. صحیح آنها را بنویسید. الف) باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده. ب) چاه قدر ناجوانمردان / چاه پستان، چاه بیدردان / ... آری اکنون تهمتَن ... / در بن این چاه ... گم بود. پ) نمی‌پذیرفتید، بهانه می‌آوردید و طفره می‌رفتید ولی اسرارهای من که بوی التماس می‌داد، عاقبت شما را متقاعد کرد. ت) بفکن ز پی این اثاث تزویر / بگسل ز هم این نژاد و پیوند ث) حاج احمد آقا! پسر گل و گلاب! دشمن عن غریب است که توی این دشت وسیع عملیات کند.	۳
۰/۲۵	شکل صحیح املائی را از داخل کمانک انتخاب کنید. - هرنفسی که فرو می‌رود، مُمد (حیاط / حیات) است.	۴
۰/۲۵	در کدام گزینه، غلط املائی وجود ندارد. الف) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست / لیک کس را دید جان دستور نیست ب) با خاک عجین آمد و از تاک عیان شد / خون دل شاهان که می‌اش نام نهادند ج) سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بهر مکاشفت مستغرق شده. د) تو حکیمی، تو عظیمی، تو کریمی، تو رحیمی / تو نماینده فضلی، تو سزاوار ثنایی	۵
۰/۵	در بیت زیر واژه‌ای بیابید که در زبان فارسی هم آوا دارد. هم آوای آن را بنویسید. دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ امروز خورشید در دشت آینه‌دار من و تو	۶
۰/۵	در بیت زیر چگونه (با استفاده از کدام روش) به معنای واژه «اندیشه» پی می‌بریم؟ چو بشنید خسرو از آن شاد گشت روانش ز اندیشه آزاد گشت	۷
۱	در عبارات زیر، نقش دستوری قسمت‌های مشخص شده را بنویسید. الف) محبت چون به غایت رسد آن را عشق خوانند. ب) شما هم مرا دیدید. معلوم است که دیدید ولی اینکه همان دم شناخته باشیم، مطمئن نیستیم. پ) گفت: «نزدیک است والی را سرای، آن جا شویم» گفت: «والی از کجا در خانه خمار نیست؟» ت) هفت خوان را زاد سرو مرو / یا به قولی ماخ سالار، آن گرامی مرد / ... روایت کرد.	۸

۰/۱۵	۹	مفهوم نشانه «ان» را در واژه‌های زیر بنویسید. الف) کاویان: ب) دیلمان
۰/۱۵ ۰/۱۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵	۱۰	با توجه به متن زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید. چشمه‌آبی سرد که در تموز سوزان کویر، گویی از دل یخچالی بزرگ بیرون می‌آید از دامنه کوه‌های شمالی ایران به سینۀ کویر سرازیر می‌شود. الف) در گروه اسمی «دامنه کوه‌های شمالی ایران» نام وابسته‌های وابسته را بنویسید. ب) در متن بالا نقش دستوری واژگان «چشمه» و «تموز سوزان کویر» را بنویسید. پ) در متن بالا کدام قسمت حذف شده است؟ ت) از متن بالا یک ترکیب وصفی بنویسید.

قلمرو ادبی

۲	۱۱	در اشعار زیر، جاهای را پر کنید. الف) ای بی‌خبر بکوش که صاحب خبر شوی ب) پ) آیینۀ نگاهت پیوند صبح و ساحل ت) به هر حالت که بودم با تو بودم میهن ای میهن										
۰/۱۵	۱۲	در بیت زیر، که خطاب به دماوند سروده شده است به جز واج آرای و تناسب دو آرایه ادبی بنویسید. تا چشم بشر نبیندت روی بنهفته به ابر چهر دل بند										
۰/۱۵	۱۳	در بیت زیر وجه شبه را مشخص کنید و بنویسید شاعر برای بیان وجه شبه در بیت زیر از کدام آرایه ادبی بهره گرفته است؟ عاشق آن باشد که چون آتش بود گرم‌رو، سوزنده و سرکش بود										
۰/۱۵	۱۴	در عبارت «پهلوان هفت خوان، اکنون / طعمۀ دام و دهان خوان هشتم بود» مشبه و مشبه‌به را مشخص کنید.										
۰/۷۵	۱۵	برای هریک از ابیات گروه «الف»، یک آرایه مناسب از گروه «ب» بیابید. (در گروه «ب» یک آرایه اضافی است.)										
		<table border="1"> <thead> <tr> <th>ب</th> <th>الف</th> <th>ردیف</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td rowspan="3">مجاز اسلوب معادله نماد تلمیح</td> <td>ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد</td> <td>۱</td> </tr> <tr> <td>یکی دشت با دیدگان پر ز خون / که تا او کی آید ز آتش برون</td> <td>۲</td> </tr> <tr> <td>هر کسی کو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش</td> <td>۳</td> </tr> </tbody> </table>	ب	الف	ردیف	مجاز اسلوب معادله نماد تلمیح	ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد	۱	یکی دشت با دیدگان پر ز خون / که تا او کی آید ز آتش برون	۲	هر کسی کو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش	۳
ب	الف	ردیف										
مجاز اسلوب معادله نماد تلمیح	ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد	۱										
	یکی دشت با دیدگان پر ز خون / که تا او کی آید ز آتش برون	۲										
	هر کسی کو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش	۳										
۰/۱۵	۱۶	در عبارت زیر، کنایه را مشخص کنید و معنی آن را بنویسید. عشق، آتش است، هر جا که باشد، جز او رخت، دیگری نهد. هر جا که رسد، سوزد.										
۰/۲۵	۱۷	با توجه به بیت زیر کدام آرایه در آن وجود ندارد؟ چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان الف) اسلوب معادله ب) تشبیه ج) تضاد د) تلمیح										

قلمرو فکری

۰/۱۵ ۰/۱۵ ۰/۱۵ ۰/۱۵	۱۸	معنی و مفهوم مصراع‌های مشخص شده ابیات زیر را به فارسی روان بنویسید. الف) از سیم به سر یکی کله خود / ز آهن به میان یکی کمر بند ب) هر که جز ماهی ز آبش سیر شد / هر که بی‌روزی است روزش دیر شد پ) دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو / امروز می‌آید از باغ، بوی بهار من و تو ت) بدان گه که شد پیش کاووس باز / فرو آمد از باره، بردش نماز
------------------------------	----	---

۱۹	معنی و مفهوم عبارات زیر را به فارسی روان بنویسید. الف) مابقی را نقداً خط بکش و بگذار سماق بمکند. ب) برخلاف حال، پامان به ده باز بود و در شهر، دست و پاگیر نشده بودیم. پ) سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد. ت) یک روز دنیایی به روم چشم داشت و از آن چشم می‌زد.	۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵
۲۰	مفهوم مصراع دوم بیت زیر را بنویسید. چو خواهی که پیدا کنی گفت‌وگوی بباید زدن سنگ را بر سبوی	۰/۵
۲۱	مفهوم کلی بیت زیر را بنویسید. آیین طریق از نفس پیر مغان یافت آن خضر که فرخنده پیاش نام نهادند	۰/۵
۲۲	بیت زیر یادآور کدام وادی از هفت وادی است؟ چشم بگشا به گلستان و بین جلوه آب صاف در گل و خار	۰/۲۵
۲۳	مفهوم مشترک بیت‌های زیر چیست؟ یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شد - بود کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی	۰/۵
۲۴	نویسنده در داستان «کباب غاز» کدام رفتار فردی و اجتماعی را مورد انتقاد قرار داده است؟	۰/۲۵
۲۵	بیت زیر به بیدادگری کدام پادشاه اشاره دارد؟ آن کسی را که در این ملک سلیمان کردیم ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است	۰/۲۵
۲۶	مقصود از «بدحالان» در بیت زیر چه کسانی است؟ من به هر جمعیتی نالان شدم جفت بدحالان و خوش‌حالان شدم	۰/۲۵
۲۷	در عبارت زیر بر چه نکته‌ای تأکید شده است؟ چه حرف تازه‌ای برای گفتنم مانده است یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن / که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟	۰/۵
۲۸	هر یک از ابیات زیر با کدام مورد در کادر زیر ارتباط دارد. وفاداری - جاودانگی - از ماست که بر ماست - دعوت به قیام - عجز انسان در توصیف خداوند الف) گلّه ما را گله از گرگ نیست / کاین همه بیداد شبان میکند ب) هیچ نقاشت نمی‌بیند که نقشی بر کند / وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای پ) ز خورشید و از آب و از باد و خاک / نگردد تبه نام و گفتار پاک ت) دلا خموشی چرا؟ چو خم نجوشی چرا؟ / برون شد از پرده راز، تو پرده‌پوشی چرا؟	۱

پایان